

ORIGINAL ARTICLE

The Study of Seyyed Mohammad Hussein Fadlallah's View in Employing Estihaei Method in His Min wahy al-Qur'an (Case Study: Surah Al-Jumu'ah)

Ramesh Hallajian Esfahani^{1*}, Mahdi Mehrizi², Seyed Mohamad ali Ayazi³

1. PhD student in the Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.
2. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

Correspondence:
Ramesh Hallajian Esfahani
Email: hallajian1347@gmail.com

Received: 25 Feb 2023
Accepted: 05 Jan 2025

How to cite

Hallajian Esfahani, R, Mehrizi, M. & Ayazi, S.M.A. (2025). The Study of Seyyed Mohammad Hussein Fadlallah's View in Employing Estihaei Method in His Min wahy al-Qur'an (Case Study: Surah Al-Jumu'ah). *Journal of Qur'anic Interpretation and Language*, 14(1), 35-44. (DOI:[10.30473/quran.2025.67187.3239](https://doi.org/10.30473/quran.2025.67187.3239))

ABSTRACT

This study made an effort to explain the estihaei method used in Quranic exegesis. This is a new method of Quranic exegesis that Seyyed Mohammad Hussein Fadlallah introduced in his Min wahy al-Qur'an. The phrase "kaifa nastouhi ba'adh..." and the term "estiha'a" appear several times throughout the book. The term "estiha" implies being inspired by Quranic verses and then coming up with ideas, and the estihaei method in the exegesis of a verse connotes reaching other worlds. According to Fadlallah's exegetical approach, the Quran is an eternal scripture for human life because it has a dynamic mission. According to him, inspiration for the Quran must be sought out regardless of time or place because it is an alive and eternal text. This study investigated the extent to which Fadlallah employs rhetoric, Quranic sciences, hadith citation, and his social-educational approach in his estihaei method. The findings indicated that what Fadlallah achieves from the Quranic verses using the estihaei method is based on his expertise in reaching the soul of the Quranic verses, rather than the implications of the verses, though at times, what he perceives differs significantly from what the verse states. Surah Al-Jumu'ah was the primary focus of this study. Surah Al-Jumu'ah was selected because it contains sociopolitical topics.

KEYWORDS

Estihaei Method, allameh Fadlallah, Min wahy al-Qur'an, Surah Al-Jumu'ah.



«مقاله پژوهشی»

تبیین دیدگاه علامه سید محمدحسین فضل‌الله در کاربست روش استیحایی در تفسیر من وحی القرآن (مطالعه موردی سوره جمعه)

رامش حلاجیان اصفهانی^۱، مهدی مهریزی^۲، سید محمدعلی ایازی^۳

چکیده

این نوشتار با هدف تبیین روش استیحایی در تفسیر قرآن تدوین شده است. این روش نوظهور علامه فضل‌الله در تفسیر من وحی القرآن است. عبارت: «کیف نستوحی بعض...» و واژه: «استیحاء» و «استلھام» در متن این تفسیر تکرار شده است. استیحاء به معنای الهام گرفتن از آیات و ایده‌پردازی است و روش استیحایی در تفسیر یک آیه عبارت است از دستیابی به جهان‌های دیگر. فضل‌الله در روش تفسیرش معتقد است که قرآن رسالتی پویا دارد که آن را به کتابی همیشگی برای زندگی بشر تبدیل نموده است؛ او بر این باور است که قرآن متنی زنده و جاری است و باید از آن فراعصری الهام گرفته شود. در این نوشتار میزان بهره‌وری فضل‌الله از مباحث علوم بلاغی، علوم قرآنی، استناد به روایات و با گرایش اجتماعی - تربیتی در روش استیحایی مورد سنج قرار گرفت. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد آن چه فضل‌الله با روش استیحایی از آیه دریافت نموده است، بیش از این که برآمده از دلالت‌های موجود در آیات باشد، برآمده از خبرویت وی در دریافت روح آیات قرآن کریم است؛ اگرچه دریافت‌ها گاه با آنچه از آیه استظهار می‌شود، فاصله دارد. در این نوشتار صرفاً سوره مبارکه جمعه مورد مطالعه قرار گرفته است. سوره جمعه به دلیل اشتغال بر مضامین اجتماعی، سیاسی در این نوشتار مورد مطالعه قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی

روش استیحایی، علامه فضل‌الله، تفسیر من وحی القرآن، سوره جمعه.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.
۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

رامش حلاجیان اصفهانی

رایانامه: hallajian1347@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۶

استناد به این مقاله:

حلاجیان اصفهانی، رامش؛ مهریزی، مهدی و ایازی، سید محمدعلی (۱۴۰۳). تبیین دیدگاه علامه سید محمدحسین فضل‌الله در کاربست روش استیحایی در تفسیر من وحی القرآن (مطالعه موردی سوره جمعه). پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۱۳(۱)، ۳۵-۴۴.

(DOI: 10.30473/quran.2025.67187.3239)



۱- بیان مساله

علامه فضل‌الله در سراسر تفسیر من وحی القرآن به کرات از عبارت «کیف نستوحی بعض...؟» استفاده نموده است. وی در تفسیر نهاییش از آیات، واژه «استیحاء» یا «ایحاء» را به کار می‌برد. مسئله این پژوهش این است که اصطلاح «استیحاء» که به کرات در تفسیر وی به کار رفته است به چه معنا است و مقصود فضل‌الله از به‌کارگیری این اصطلاح چیست؟ آیا می‌توان این اصطلاح را منطبق بر روش تفسیری فضل‌الله در من وحی القرآن دانست؟ روش تفسیری فضل‌الله پاسخگوی چه نیازهایی می‌تواند باشد؟ این روش چه ویژگی‌ها و مقوماتی دارد و با چه گرایشی و روشی نسبت به سایر روش‌ها متمایز می‌شود؟

۲- مقدمه

قرآن به دلیل جامعیت، جاودانگی و فراعصری بودن، روشننگر مسیر کمال انسان تا آخر تاریخ است. از لوازم فراعصری بودن قرآن کریم، نو به نو شدن تفاسیر قرآن است. جامعه مسلمانان در هر عصر با نیازها، سوالات و شرایط جدیدی مواجه می‌شود که پاسخگویی به این رخدادهای تفاسیری جدید و روزآمد را می‌طلبد. سید محمد حسین فضل‌الله (۱۳۵۴-۱۴۳۱ق.) از مفسرین نوآور معاصر جهان اسلام است. وی در تفسیر من وحی القرآن، با الهام از روح آیات، قرآن را در متن زندگی مسلمانان وارد نموده و آن را منشأ حرکت و حیات می‌داند. امری که منجر به کارآمدی آموزه‌های قرآن در طول و عرض تاریخی-جغرافیایی می‌شود. فضل‌الله بر این باور است که قرآن رسالتی پویا دارد که آن را به کتابی همیشگی برای زندگی بشر تبدیل نموده است. نظر به کارآمدی این تفسیر در پاسخگویی به سوالات روز و حل مشکلات بشری این نوشتار به معرفی و بررسی روش تفسیری مفسر می‌پردازد.

۲-۱- علامه سید محمد فضل‌الله و تفسیر من وحی القرآن

علامه سید محمد حسین فضل‌الله (۱۳۵۴-۱۴۳۱ق.) صاحب تفسیر من وحی القرآن، علاوه بر اینکه چهره علمی برجسته‌ای است، از عناصر فعال و مبارز در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی عراق و لبنان بوده است. وی علاوه بر تفسیر من وحی القرآن در ۲۴ جلد، صاحب پنج اثر قرآنی دیگر، ۱۵ اثر فقهی و ۵۱ اثر در باب اعتقادات است.

تفسیر من وحی القرآن از جمله تفاسیر ارشادی و تربیتی دوره معاصر است، که به روشی نوین و به شیوه تحلیلی نگاشته شده

است. فضل‌الله در تفسیر آیات علاوه بر اجتهاد و تحلیل تاریخی از روح آیات استمداد جسته است. سبک تفسیری وی شباهت بسیاری به سبک سید قطب در فی ظلال دارد؛ با این تفاوت که به نظرات امامان شیعه استناد می‌کند.

آثار پیشین که به روش علامه فضل‌الله در تفسیر اشاره نموده‌اند عبارتند از:

«علامه فضل‌الله و تفسیر قرآن به قرآن»، سید حسین هاشمی، پژوهش‌های قرآنی، زمستان ۱۳۸۹، ش ۶۴.
 «روش مواجهه علامه فضل‌الله با روایات تفسیری در «من وحی القرآن»، سیاوش کرمی، ۱۳۹۲، پژوهشنامه تفسیر و زبان، ش ۴۳/۲-۶۷

«روش‌شناسی علامه سید محمد حسین فضل‌الله در نقد آرای علامه طباطبایی در تفسیر المیزان»، رضا قلی‌زاده و محمدجواد توکلی، ۱۳۹۵، تفسیرپژوهی، ش ۸۱/۶-۱۰۸؛

«بررسی رویکردی سید محمدحسین فضل‌الله به روایات تفسیری من وحی القرآن»، غروی نایینی، نهله؛ نجفی، محمد، ۱۳۸۸ش، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال ششم، ش ۲۵/۱-۴۸.
 «ساختارشناسی تفسیر من وحی القرآن»، شمس‌الله معلم کلائی و «من وحی القرآن تفسیر اجتماعی و واقع‌گرایانه»، حامد شیواپور. روش تفسیری علامه فضل‌الله، مهدی مهریزی، مجله گلستان قرآن، بهار ۱۳۹۵ش.

«آشنایی با مفسران و قرآن‌پژوهان معاصر»، جمعی از نویسندگان (مقاله مهدی مهریزی طرقی)، ۱۴۰۰ش، دفتر اول، تهران، نشر مؤسسه دین‌پژوهی بشری.

نوآوری‌های علامه سید محمد حسین فضل‌الله در تفسیر من وحی القرآن (مطالعه موردی سوره جمعه)، رامش حلاجیان، مجله سبک‌شناختی قرآن کریم، زمستان ۱۴۰۱ش، شماره ۱۱.

همچنین «تحلیل نوآوری‌های مهم تفاسیر فریقین در سوره جمعه»، عنوان رساله بنده به راهنمایی مهدی مهریزی و سید محمدعلی ایازی است که در شهریور ۱۴۰۲ به دفاع رسید که این روش را از نوآوری‌های روشی دوره معاصر معرفی نموده است.

۲-۲- مفهوم استیحاء

استیحاء مصدر باب استفعال از ماده «وحی» به معنای طلب وحی نمودن است. اصل وحی: اشاره سریع و کلام رمزگونه است یا صوت مجرد از ترکیب، و اشاره با بعض جوارح، و کتابت. علم **واللّٰهُ** مجرد از ترکیب، که خداوند به انبیا و اولیائش در خفا القا می‌کند. (ابن منظور،

است: ۱- یهودیانی که به تورات مکلف شدند اما بدان عمل نکردند.

۲- خودبتریبینی یهود ۳- دنیاگرایی یهود.

- سیاق سوم (۹-۱۱): خطاب به مؤمنان با موضوع نماز جمعه و ذکر الله، ضمن مورد خطاب قرار دادن مؤمنان و آموزش آنان بر مقدم داشتن نماز جمعه و ذکرالله بر تجارت و کسب دنیا، توصیه به کثرت ذکرالله در همه حالات نموده، به معرفی و توبیخ گروهی پرداخته که سرگرمی دنیا ایشان را از همراهی با رسولخدا (ص) باز داشته است.

این سوره بیانگر اثری است که رسول اکرم(ص) در جامعه امی جاهلی آن زمان گذاشت. اثری فراگیر در سراسر شبه جزیره که با تلاوت، تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت آغاز شد و تحولی نو در فرهنگ جامعه ایجاد نمود و این گونه بود که با اقدام عملی در جهت تشکیل جامعه‌ای توحیدی، فضل خدا را شامل حال این امت نمود تا همچون چهارپایان تنها حامل بار کتبی نباشند که از محتوای آن بی‌بهره باشند. (رک: فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۲، ص ۲۰۲)

۳- ارکان روش استیحایی

با نگاهی گذرا به متن تفسیر من وحی القرآن، مشاهده می‌شود که فضل‌الله در سراسر سوره‌ها و تفسیر آن عبارت: «کیف نستوحی بعض...؟» را تکرار نموده و در پاسخ به این سوال مطالبی را از آیه ایده و الهام می‌گیرد. وی روش استیحایی را در تفسیر قرآن ضروری دانسته است، چرا که معتقد است با این روش از طریق حرکت به سمت اهدافی که بیان شد از تفسیر یک آیه، به همه دنیاهای دیگر می‌رسیم (رک: همان، ج ۱، ص ۱۶)

روش استیحایی فضل‌الله در تفسیر قرآن مبتنی بر نظریه‌ی استیحاء است که دو رکن دارد:

۳-۱- رکن اول: متن

از نظر سید محمدحسین فضل‌الله قرآن به عنوان اولین و موثق‌ترین منبع وحیانی است که ضروری است آن را به عنوان کتاب رسالت و تبلیغ بفهمیم. این متن وحیانی در طول تاریخ دارای حیات و حرکت است. فضل‌الله قرآن کریم را متشکل از واژه‌های ایستا، بی‌جان و جامد نمی‌داند، بلکه قائل به حرکت واژه‌ها در امتداد زمان است و بر این باور است که قرآن رسالتی پویا دارد که آن را به کتابی همیشگی برای زندگی بشر تبدیل نموده و قرآن را متنی زنده و جاری می‌داند که همچون خون در رگ‌ها در حال حرکت است و

۱۹۹۷م، ج ۱۵، ص: ۳۷۹، فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص: ۳۲۰؛ راغب

اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص: ۸۵۸)

مصطفوی وحی را القای امر در باطن غیر دانسته است، خواه این القا تکوینی، خواه با واردات قلبیه، خواه با علم و ایمان و نور یا با وسوسه و.... باشد. در صورتی که إلهام از «لهم» عبارت است از القای بدون واسطه از جانب پروردگار در باطن که بیشتر در امور معنوی کاربرد دارد و بدیهی است که وحی چون با شهود قلبی است قوی‌تر از مشاهده چشمی، استماع صوت است، چراکه توأم با بصیرت یقینی است که اثر عمیق قطعی در باطن بر جای گذاشته که هیچ‌گونه شکی باقی نمی‌گذارد. (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۳، ص ۵۷-۵۹)

۲-۳- سوره جمعه و ساختار آن

سوره جمعه شصت و دومین سوره قرآن کریم در ترتیب مصحف و صد و دهمین سوره در ترتیب نزول است که پس از سوره صف و قبل از سوره تغابن نازل شده است. این سوره مشتمل بر ۱۱ آیه و یکی از مستحبات هفتگانه قرآن کریم است. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۹، ص ۱)

برخلاف اجماع مفسران که این سوره را مدنی دانسته‌اند، ابوالفتوح رازی، با استناد به قول ابن عباس و ضحاک، آن را مکی شمرده، اما مضامین سوره که به موضوع یهود و برپایی نماز جمعه پرداخته است، دلالتی آشکار بر مدنی بودن آن دارد. (ابن عطیه، ج ۱۶، ص ۷) نام این سوره برگرفته از آیه نهم سوره و به معنای آدینه، آخرین روز هفته است. مهمترین مشخصه و در عین حال کارکرد روز جمعه، نقش آن در نظام تقسیم روزهای ماه به واحدهایی هفت‌تایی به‌عنوان روز پایانی یا تعطیل هفتگی بوده است. (زرنگار ۱۳۶۷ش، ج ۱۶، ص ۷۱۰، رحمان ستایش، محمد کاظم، ۱۳۷۵ش، ج ۱۰، ص ۶۹۵)

مضامین عالی این سوره تحت سه سیاق کلی مورد مطالعه است که عبارتند از:

- سیاق اول (۱-۴): این آیات به منزله تمهید برای آیات وجوب نماز جمعه است. در طلوعه سوره، حقیقت تسبیح مستمر از سوی تمام کائنات مطرح شده است. بعثت رسول اکرم(ص) در میان امیین؛ محور اصلی این سیاق تسبیح خداوندی است که با اسماء چهارگانه رسولی امی را در میان امیین مبعوث نمود تا ایشان را تزکیه نموده و به ایشان کتاب و حکمت بیاموزد.

- سیاق دوم (۵-۸): یهود و کسانی که تحت تعلیم تورات قرار گرفتند و به آن عمل نکردند، این سیاق برپایه سه محور اصلی

ما باید از آن الهام بگیریم.

ج ۱، ص ۳۱-۳۷)

از نظر وی رابطه این دو رکن با یکدیگر این است که انسان با فعالیتش حرکتی ایجاد می‌کند تا موجب به حرکت درآوردن متن شود و بدین ترتیب این انسان است که از ایحاء قرآن استیحاء می‌کند. این استیحاء به هدف ساخت انسانی جدید انجام شده که مطابق الگوی قرآن است و این انسان است که می‌تواند حلال مشکلات اجتماع باشد.

وی در پی آن است که با بازگشت به آموزه‌های قرآنی حلقه اتصالی میان قرآن و زندگی بشر ایجاد کند تا راهکاری برای خروج از مشکلات و درماندگی‌های بشریت بیابد. وی به انگیزه ایجاد حرکتی جهت زنده کردن روح حیات‌بخش قرآن و استمداد از آن در مسائل و مشکلات زندگی تفسیرش را آغاز نموده است. هدف این متن ساخت انسانی جدید است که جهت برخورداری از معنویت آن، انسان به عنوان عامل مولد حرکت‌دهنده متن بوده و می‌تواند با ایجاد فضای دعوت در درون وجودش به سوی هدف بزرگ آن یعنی ساخت انسانی جدید برسد.

۴- روش استیحایی

فضل‌الله در تمامی سوره‌ها، در جایی که به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی تفسیری می‌رسد به کرات از واژه‌های «استیحاء»، «استنطاق» و «استلهام» در تفسیر سوره‌های مختلف استفاده نموده است. در بسیاری از موارد این واژه‌ها در موارد مشابه و به صورت واژه‌های جانشین به کار رفته‌اند.

مجید مرادی در گفتگوی اختصاصی که با فضل‌الله داشته است از قول وی می‌نویسد: «ما با آیات هم چون متون ادبی صرف برخورد نمی‌کنیم که با ذهن و اندیشه پویاست و دور از جو واقعیت موجود است، بلکه احساس می‌کنیم قرآن، حیاتی پویا و پرتحرک است که داد و دهش دارد و از آن اقتباس می‌شود و هدایت می‌کند و به صراط مستقیم رهنمون می‌گردد. آیات در جو جنبش دعوت اسلامی نازل می‌شد و مراقب نقاط ضعف و قوت آن در گام‌های تبلیغ بود و با واقع و وضع موجود هم‌آوردی می‌کرد تا برایش قانون‌های پویا بنا نهد و جوانب ضعف را تقویت کند. و با قدرت و توان از عوامل فروپاشی جلوگیری نماید. (به نقل از: جمعی از اندیشوران، ۱۴۰۰ش، ص ۴۵۰)

فضل‌الله دو نوع فهم از قرآن را مطرح می‌کند. فهمی مستند به ظاهر نص، لفظ و مدلول آشکار که از نظر وی تردیدآمیز است و فهمی که از آن با عنوان «آفاق النص» یاد می‌کند. وی معتقد است اگر دلیل عقلی در حجیت ظاهر نباشد، ظهور احتمال مخالف را نفی نمی‌کند، بلکه ممکن است به اقتضای قرینه، احتمال ضعیفی تقویت شود، به گونه‌ای که، ظهور جدیدی جایگزین ظهور اولی شود.

۳-۲- رکن دوم: انسان

یکی از پربسامدترین واژه‌های تفسیر من وحی القرآن واژه "انسان" است. این واژه ۳۹۶۹ بار در این تفسیر تکرار شده است. وی در تفسیرش انسانی را مطرح می‌کند که مظهریت صفات الهی دارد. وی در جای جای تفسیرش به این انسان به عنوان یکی از ارکان مولد حرکت در متن آیات قرآن نگریسته است. از نظر وی مراد از انسان، یگانه موجود صاحب اراده و کنشگری است که از سویی به واسطه دارا بودن صفات خداوند در ذاتش دارای رابطه وثیقی با خداوند بوده و در مقام جانشینی خداوند از بالاترین قدرت و توانمندی عملی در میان مخلوقات برخوردار است و از سوی دیگر به این درک رسیده که در افکارش، در حرکتش، در امتداد حیاتش و در تمام ارکان زندگی‌اش نه برای خود استقلال ذاتی قائل باشد، و نه برای اسباب و مسببات. انسان مخاطب قرآن کریم، انسانی است که با فرض مذکور به متن قرآن کریم می‌نگرد نه با پیش‌فرض. وی در تفسیر آیات فراوانی از جمله آیات نخست سوره حمد به تبیین رابطه انسان و خداوند پرداخته است. (رک: فضل‌الله،

فضل‌الله می‌گوید: «شاید یکی از روش‌های برتر، روش استیحایی است، به این دلیل که قرآن وقتی به چاره‌جویی یک مسأله و حل مشکلی پرداخته است، همزمان به کرانه‌های زیاد و مرتبط با آن نیز اشاره می‌کند. (فضل‌الله: ۴۶۲/۱۵)

فضل‌الله مکرر از مقاصد و غایات تفسیر سخن به میان آورده است. روش استیحایی هدف‌محور است و هدف این روش پاسخ به شبهات یا ارتقای علمی مسلمانان نیست، بلکه هدف این روش تبدیل آیات قرآن کریم به نظریه‌های قابل اجرا جهت علاج دردهای جامعه و حل مسائل روز است. وی به دنبال کشف فرمول قرآن جهت ساخت انسانی مطابق مفاهیم قرآنی است.

وی قرآن را منبعی برای الهام گرفتن جهت پاسخگویی به پرسش‌های روز بشر می‌داند و عنصر فعال دریافت این الهام را خود انسان می‌داند. فضل‌الله در جستجوی سبک زندگی به‌طور مستقیم و از خلال آیات قرآن نیست، بلکه معتقد است انسان می‌تواند این سبک را از قرآن الهام بگیرد و بدین ترتیب مبدع سبک زندگی خود از قرآن باشد. لذا وی معتقد است ایحاءات نیز می‌تواند مختلف باشد و این تعدد برداشت می‌تواند تجلیات متعددی از آیات باشد. (رک:

فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۸/۱-۱۱)

۵- کاربرد روش استیحایی در تفسیر علامه

روش استیحایی، روشی نو در تفسیر قرآن است. حال این سوال پیش می‌آید که مصادیق عینی بهره‌وری از روش استیحایی در تفسیر آیات چیست؟ علامه در روش استیحایی از چه مقومات و گرایشاتی در تفسیر آیات بهره برده است؟ بهره‌وری از این مباحث چه میزان بوده است؟

۵-۱- بهره‌وری از علوم بلاغی در روش استیحایی

فضل‌الله علوم بلاغی را به استخدام روش استیحایی درآورده است. وی با استفاده از سیاق به تفسیر آیات می‌پردازد. از نتایج مهم نگاه سیاقی به آیات، نگاه به سوره، به عنوان مجموعه‌ای یکپارچه است که محور یا محورهای کلی را دنبال می‌کند. فضل‌الله در اکثر سوره‌ها بنابر سیاق، علاوه بر بیان خطوط کلی و محورهای اصلی سوره، به بیان جو و فضای حاکم بر سوره با عبارت: «فی اجواء السوره» می‌پردازد و سعی در معنوی کردن محورهای اصلی یک سوره دارد. وی معتقد است گاه براساس قواعد بلاغی، ظهور جدیدی جایگزین ظهور اولی می‌گردد. (به عنوان نمونه رک: همان/۲۱۵-۲۱۷؛ ۱۴/۱۹۱-۱۹۶؛ ۵/۱۷۵)

۵-۲- بهره‌وری از علوم قرآنی در روش استیحایی

فضل‌الله در مقدمه چاپ دوم تفسیر از جایگاه محکم و متشابه، ظاهر و باطن و مجمل و مبین بحث نموده است. وی ضمن نقد معیارهای پیشین در تفسیر و بی‌تاثیر دانستن برخی از مباحث علوم قرآنی در تفسیر آیات از طرح بسیاری از مباحث علوم قرآنی در تفسیر خودداری کرده است. فضل‌الله طرح قرائات را در روش استیحایی بی‌تاثیر دانسته، لذا به شدت از طرح آن خودداری می‌کند. وی معتقد به تفکیک مباحث علوم قرآنی از تفسیر است.

وی می‌گوید: «در اینجا مباحثی قرآنی مطرح است که از مباحث علوم قرآنی به شمار می‌آید و امیدواریم که در کتاب جدیدی به این مباحث بپردازیم.» (همان، ۱/۱۵)

با وجود این فضل‌الله به برخی از مباحث علوم قرآنی که در روش استیحایی قابل بهره‌وری است می‌پردازد. فضل‌الله در اکثر سوره‌ها تحت عنوان: «فی اجواء السوره»، بحث از مکی و مدنی بودن سوره را به استخدام روش استیحایی درآورده است. وی هرگز بحث از مکی یا مدنی را همچون مفسرین پیشین به عنوان مبحثی مستقل در سنت تفسیری به کار نبرده است، بلکه با استناد به فضای نزول سوره، به بهره‌وری محتوایی آن در روش استیحایی می‌پردازد.

استنطاق تعبیری است که امام علی (ع) در نحوه بهره‌گیری از آیات قرآن توصیه نموده است و به معنای درخواست پاسخگویی قرآن به سؤالات بشر است. در خطبه ۱۵۸ نهج‌البلاغه علی (ع) پس از ذکر وضع جامعه مقارن زمان ظهور اسلام، قرآن را حاوی اصول کلی معارف، احکام و نجات‌بخش از تمام ظلمت‌های پیشین و چاره‌ساز دردهای بی‌درمان جامعه جاهلی معرفی نموده است و می‌فرماید: «ذلک القرآن فاستنطقوه و لن ینطق و لکن اخبیرکم عنه». (سید رضی، خطبه ۱۵۸) این عبارت به این معنا نیست که قرآن با هیچ‌کس جز معصومین سخن نمی‌گوید، بلکه بدین معنا است که جهت فهم اسرار قرآن (اضافه بر ظاهر آن)، همگان مأمور به تدبیر در قرآن شده‌اند. تدبیر در قرآن فراخوانی عمومی است که درمان دردهای نهفته اجتماع است. (ص/۲۹، محمد/۲۴) به نظر می‌رسد منظور فضل‌الله از استیحاء و استلهام همان استنطاقی است که ملهم از نهج‌البلاغه ذکر شد.

فضل‌الله در مقدمه تفسیرش اذعان نموده است: «تمامی آن چه امیدوارم این کوشش‌ها به بار آورد، اندکی جدیت در عرضه اسلوب و تحریک‌آفرینی تفسیر در اوضاع کنونی است که تبلیغات اسلامی نیازمند است قرآن در تمامی زمینه‌های علمی در راه و هدفی باشد که برگرفته از «من وحی قرآن» گردد.» (همان/۲۹) در جای دیگر تصریح نموده: «چاره کار را این یافتیم که مفاهیم قرآن را به روش نظریه و تطبیق مطرح کنیم تا بتوانیم در مشکلات و مسائل امروز زندگی بشری از او پاسخ دریافت کنیم..... ادعای تفسیر جدید را نداریم، بلکه غالب مطالب ما از بیانات مفسرین و محققین قرآنی است، فقط انطباعات، استنتاجات و استیحانات به آن اضافه شده است.» (همان/ ۵)

مطالب پیش گفته دلالت بر این دارد که با وجود این که مفسر ادعا بر نگارش تفسیری جدید نداشته است اما بنا به تصریح خود او انطباعات، استنتاجات و استیحانات جدیدی را در اسلوب تفسیری ارائه نموده است. کثرت استعمال واژه‌های استیحاء، استلهام و استنطاق، اذعان مفسر بر عرضه اسلوب تفسیری در جهت تطبیق نظریه‌های قرآن در حل مشکلات روز و تصریح مفسر بر وجه تسمیه این تفسیر به "من وحی القرآن" بیانگر ارائه روش تفسیری نوینی است که به "روش استیحایی" نامگذاری شد. این روش مبتنی بر الهام گرفتن از آیات و ایده‌پردازی است، نه استخراج قانون و دستور که قرآن را به کتابی همیشگی برای زندگی بشر تبدیل نموده است.

۳-۵- بهره‌وری از روایات در روش استیحایی

فضل‌الله قرآن را حجت یقینی می‌داند و روایات را شرح و تفصیل آن می‌داند و مراجعه به آن را برای فهم دقیق قرآن ضروری و گریزناپذیر می‌داند. (همان: ۳۲۱/۷) وی در مقدمه تفسیرش توجه ویژه‌ای به روایات تفسیری و جایگاه آن در حل معضلات اجتماعی می‌نماید و معتقد است درباره روایات اعتقادی و تفسیری باید روایات قطعی یا قریب به قطعی باشند، چرا که موجب انکار حقایق ثابت یا تاویل نصوص قابل اعتماد اقتضای مصلحت ایشان به می‌شود. (رک: همان: ۱/ ۱ و ۲۴۱) وی وثاقت نص روایت را در امور غیبی ضروری دانسته است. با این وجود همچون علامه طباطبایی معتقد است در امور غیبی نباید به مجرد دوری از مالوفات ذهنی روایات را کنار بگذاریم. وی معتقد است قبل از التزام عملی به حدیث باید از صحت علمی آن مطمئن شد.

وی می‌گوید: "پس جهت فهم سازگاری مفهوم حدیث با مضمون قرآن، ناچاریم نصوص را در دلالت فکری، از طریق اصول دقیق در بحث علمی، با هم مقایسه کنیم و در مقام بحث و مقایسه به اسالیب اصولی سنتی اکتفا نکنیم به خصوص در مساله عرضه بر قرآن [فصلت: ۴۲]" (همان: ۳۲۳/۱۶-۳۲۴)

وی در روش استیحایی توجه ویژه‌ای به روایات تاریخی شأن نزول، اشخاص، اشیا و موارد مشخصی که قرآن در آیتش به ذکر آن‌ها پرداخته است می‌نماید و دو نکته را درباره اسباب نزول قابل ملاحظه می‌داند:

اول: تفسیر آیه را متوقف در نقطه عزیمت اسباب نزول نمی‌داند. زیرا بر این باور است که قرآن زنده است و اقتضای حیات، حرکت است. لذا آیات قرآن در امتداد زمان و مکان در جریان هستند و مفهوم یک آیه از قرآن کریم یا موضع‌گیری آن در یک واقعه، قابل بسط، جری و تطبیق در امتداد تاریخ به جریان‌های روز و در سطح واقع است. و این قابلیت موجب می‌شود تا از خلال اسباب نزول با بسط مفهوم نظریه‌های راهبردی مناسب زمان حاضر و آینده در رویارویی با شرک، کفر، ظلم و طغیان استخراج شود.

دوم: با وجود اینکه آیات در چارچوب مضمون فکری معینی در حرکتند، اما به اعتبار ارتباط معنوی که آیه آن را در معنایی دیگر و با درنظر گرفتن نتایج عملی شامل می‌شود، در هر زمان معنای جدیدی از آیه بر ما نازل می‌شود. و این همان چیزی است که در روایات ماثور از ائمه معصومین (ع) تحت عنوان تاویل از آن یاد شده است. همان مفهومی که براساس مدلول لغوی و ظاهری آیه برداشت نمی‌شود، بلکه بر مبنای مدلولی غیر از مدلول ظاهری آیه فهم می‌شود. (رک: همان: ۲۶-۲۷)

۴-۵- بهره‌وری از گرایش اجتماعی- تربیتی در روش استیحایی

گرایش فضل‌الله در تفسیر قرآن، گرایشی اجتماعی- تربیتی است. مبانی گرایش اجتماعی- تربیتی او عبارتند از: حرکت و تغییر، واقع‌نگری، تبلیغ و حریت.

واژه «حرکه» و پس از آن واژه‌های: «واقع»: واقعیت، «حرکی»: انقلابی، «الدعوه»: تبلیغ و «حریت»: آزادی پربسامدترین واژه‌ها در تفسیر من وحی القرآن هستند. تقریباً در تفسیر من وحی القرآن، هیچ سوره‌ای خالی از این واژه‌ها نیست. واژه «حرکه یا حرکی» بیانگر باور به تغییر است. این واژه در مقایسه با دیگر تفاسیر معاصر، ۲۵۱۷ بار در تفسیر وی تکرار شده است.^۱ واژه "حرکت" این باور را در ذهن هر مخاطب تقویت می‌کند که آیات می‌تواند در انسان حرکتی ایجاد کند تا روح حیات‌بخش قرآن را زنده نماید و مسائل و مشکلات زندگی جامعه مسلمانان را حل کند. وی بر این باور است که با بازگشت به آموزه‌های قرآنی حلقه اتصال میان قرآن و زندگی بشر ایجاد می‌شود تا راهکاری برای خروج از مشکلات و درماندگی‌های بشریت بیابد. فضل‌الله در جای جای تفسیرش سخن از تغییر و ایجاد انگیزه جهت تغییرات مثبت توسط داعیه‌داران دعوت اسلامی رانده است. یکی از این نمونه‌ها آیه ۴۱ سوره روم است. (رک: همان: ۲۳۰/۱۴)

وی با به‌کارگیری مکرر واژه «واقع» بر این نکته تاکید نموده که قرآن کتابی ناظر بر واقعیت است که باید در متن زندگی انسان ایفای نقش نماید. (به‌عنوان نمونه رک: همان: ۲۴۱/۱۷) وی در تفسیر آیه: «ان هذا القرآن الذی یقصد علی بنی اسرائیل اکثر الذی فیه یختلفون» نمل/ ۷۶ می‌گوید: «قرآن، کتابی مجرد و ذهنی نیست بلکه در هر زمانی ناظر به واقعیت است و هر جامعه‌ای می‌تواند خویش را در آن بیابد و حس کند.» (همان و همان: ۳۸۲/۱۴)

واژه «دعوت» حاکی از باور علامه بر جاذبه زیاد دین اسلام و رسالت قرآن و مسلمانان بر تبلیغ و گسترش دین الهی است. دینی که گاه با گفتگو و گاه با جهاد رخ می‌نماید و آموزه‌های آن ظرفیت تطبیق با اقتضات زمان را دارد. همانگونه که وی در مقدمه تفسیرش، نگارش تفسیری همچون من وحی القرآن را از الزامات تبلیغ اسلام دانسته است که با تحرک‌آفرینی در شرایط کنونی بتواند اهداف قرآن را محقق سازد.

وی در سراسر تفسیرش توجه ویژه‌ای به آزادی و کرامت انسان نموده و واژه «حریت» را ۳۰۵ بار تکرار نموده است. وی با قرار دادن قرآن در معرض واقعیت‌های موجود اجتماع به تفسیر آیات آن می‌پردازد. وی به قوانین اجتماعی قرآن که در کسب استقلال و

۱. به عنوان نمونه: در تفسیر نمونه (۵۱۹)، المیزان (۱۲۲)، التحریر و التنویر (۱۰۸)، تفسیرالمنبی (۱۰۱) بار به کار رفته است.

آزادی انسان مدخلیت دارد(از جمله جهاد و مبارزه با استعمار غربی و اسرائیل) تاکید نموده است.

۶- تطبیق روش استیحایی از نظر سید محمد حسین

فضل‌الله در سوره جمعه

در این بخش با مطالعه سوره مبارکه جمعه، به چگونگی تطبیق روش استیحایی در تفسیر این سوره می‌پردازیم.

۶-۱- بهره‌وری از علوم بلاغی در سوره جمعه

علامه فضل‌الله در سوره جمعه، علاوه بر بهره‌مندی از سیاق در استیحای از آیات، در سه مورد به دیگر جنبه‌های بلاغی می‌پردازد. علامه فضل‌الله درباره صفات موجود در آیه ۱ سوره جمعه می‌گوید: «چه بسا برخی از مفسرین صفات چهارگانه آیه ۱ را، با مضمون سوره مرتبط دانسته‌اند و این‌گونه استیحاء نموده‌اند. صفت «ملک» با تجارتمندی که برای آن شتاب می‌کنند، «قدوس» با لاهی که از ذکر خدا به سوی آن می‌روند، «عزیز» با مباحله‌ای که یهود به آن فراخوانده می‌شوند و مرگی که گریزی از آن نیست و «حکیم» با اختیار رسولی امی از میان خود ایشان... این مطالب از جنبه استیحایی، ظریف و دقیق است، اما در دلالت واضح نیست.» (همان: ۳۶۰/۱۸) همان‌گونه که ملاحظه شد فضل‌الله با استمداد از سیاق به استیحای از این آیه می‌پردازد.

وی تحت عنوان: «فی أجواء السورة» با بررسی سیاقی سوره به بیان محورهای اصلی این سوره پرداخته و سوره جمعه را بیانگر تاثیر نقش رسول در ایجاد تغییر در جامعه جاهلی در مکه یا جزیره العرب دانسته تا با آیات الهی که بر ایشان تلاوت نموده، ایشان را تزکیه نماید و سطح فکر و فرهنگ ایشان را ارتقا بخشد و عملکرد ایشان را مطابق کتاب و حکمت گرداند و این‌گونه فضل‌الله خداوند موجب ارتقای سطح ایشان شده تا بتوانند در حمل عملی رسالت الهیه عمل کنند... پس خداوند هم ایشان را با درخواست مرگ تحدی نمود. گرچه ایشان هرگز چنین درخواستی نکردند، چرا که از آثار وخیم آن مطلعند و این‌گونه بر مومنین تاکید نموده که مشغولیت به دنیا موجب ترک ذکرالله و نماز جمعه نشود. نمازی که در روز جمعه، روز گردهمایی هفتگی مسلمانان جهت عبادت خداوند برگزار می‌شود. (همان: ۳۵۷)

- وی آیه ۵ سوره جمعه را من باب تمثیل دانسته، معتقد است

سبب شمول یهود بر این تمثیل تبدیل نکردن مضامین تورات به یک پروژه عملی توسط ایشان جهت تحولات درونی نفسی برای قرب الهی است. وی می‌گوید: «این گونه فضل‌الله خداوند موجب ارتقای سطح ایشان شده تا بتوانند در حمل عملی رسالت الهیه عمل کنند، تا همچون چهارپایان حامل اسفار نباشند... در پرتو این مطلب یهود در جایگاه هبط عمل هستند چراکه بار مسئولیت رسالتی را که موسی ع بر دوش کشید تحمل نکردند و با تعصبات نژادی خود را اولیای الهی دانستند.» (رک: همان: ۳۶۴)

- وی در آیه ۹ نماز را تجسید شخصیتی زنده و متحرک دانسته است که با تمام حرکات و سکناش خدا را یاد نموده و مؤید این مطلب نظر برخی از مفسرین را ذکر نموده است که تعلیلشان از اقامه خطبه‌ها قبل از نماز، اشتغال و محوریت آن بر ذکرالله بوده است.

- همچنین من باب اطلاق جز به کل نهی از بیع در هنگام اذان را نهی از کل اعمالی می‌داند که مانع ذکرالله باشد.

۶-۲- بهره‌وری از علوم قرآنی در سوره جمعه

علامه فضل‌الله در سوره جمعه از مباحث علوم قرآنی، تنها از بحث مکی و مدنی بهره برده است. وی تحت عنوان: «فی أجواء السورة» با بهره‌وری از موقعیت نزول سوره می‌گوید: «این سوره مدنی جهت بیان تاثیر نقش رسول در ایجاد تغییر جامعه جاهلی که در مکه یا جزیره العرب زندگی می‌کرد، نازل شد تا با آیات الهی که رسول بر ایشان تلاوت نموده، ایشان را تزکیه نماید و سطح فکر و فرهنگ ایشان را ارتقا بخشد و عملکرد ایشان را مطابق کتاب و حکمت گرداند و ... و این‌گونه بر مومنین تاکید نموده که مشغولیت به دنیا موجب ترک ذکرالله و نماز جمعه نشود. نمازی که در روز جمعه، روز گردهمایی هفتگی مسلمانان جهت عبادت خداوند برگزار می‌شود.» (همان: ۳۶۰)

۶-۳- بهره‌وری از روایات در سوره جمعه

علامه فضل‌الله با اینکه نگاهی سختگیرانه در بهره‌گیری از روایات در تفسیر قرآن دارد، در تفسیر آیات سوره جمعه ۲۲ روایت از منابع فریقین نقل نموده است و گاه جهت رفع ابهام تفسیر آیات از روایات بهره می‌گیرد. به عنوان نمونه در تفسیر آیه ۳ می‌گوید: ایشان کسانی هستند که پس از نسل‌های اول به اسلام می‌گروند، روایات بنا به آنچه بخاری با اسنادش از ابوهریره نقل کرده است.^۱ بیانگر این است که ایشان قوم

رسول الله، من هؤلاء الذين لم يلحقوا بنا؟ فوضع يده على رأس سلمان الفارسي وقال: والذي نفسي بيده، لو كان الإيمان بالثرية، لئاله رجال من هؤلاء»

۱. قال: «كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حِينَ أُنزِلَتْ سُورَةُ الْجُمُعَةِ فَتَلَاها، فَلَمَّا بَلَغَ: (وَآخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ) قَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا

انسانی فعال در مسیر خیر تبدیل می‌کند، وی بر این باور است که عملیات انسان‌سازی تنها توسط این اسوه حسنه، با بازگرداندن ایشان به اخلاق حسنه و سلوک مستقیم محقق می‌شود. (همان: ۳۶۱)

- وی در عبارت «و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمه» معتقد است ارزش شیوه اسلامی در تربیت انسان، تاکید بر وحدت فکری است. وحدت فکری که همه قضایا از آن نشأت می‌گیرد، به گونه‌ای که در آن، وحدت شخصی در چارچوب عملی وحدت تلاقی می‌کند و این همان چیزی است که می‌تواند امت اسلامی را دارای ابعاد مختلف فرهنگی، روحی، سیاسی و اقتصادی در حرکت انسان در سطح جهان نماید.

- وی آیه ۹ سوره جمعه را تاکید بر اقامه نمازی می‌داند که دو خطبه آن بدل از نماز و مشتمل بر ضروریات دنیوی و اخروی اجتماعی، سیاسی مردم است. علامه فضل‌الله با روش استیحایی نتیجه می‌گیرد کلام و وعظ مرشدانه در مسائل سیاسی مسلمانان، خود نوعی از نماز به شمار می‌آید. وی می‌گوید: "تاکید فراوان خداوند بر حضور در نماز جمعه به گونه‌ای است که تنها ترک آن در شرایط ضرر، حرج یا اضطرار جایز است، پس بیع را در هنگام اذان نماز جمعه حرام نمود. و خطاب «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا» به جهت برانگیختن وجدان عمیق ایمان در وجود مومنین است تا ادای این واجب را در هیچ شرایطی از بحران‌های داخلی و خارجی فراموش نکنند و این به جهت پافشاری بر بازگشت این صفت به شخصیت ایشان است تا تحت تاثیر جو حاکم در جامعه قرار نگیرند." (رک: همان: ۳۷۰)

نتیجه گیری

براساس آنچه گذشت قدرت علامه فضل‌الله بر تطبیق آیات بر مسائل عصر حاضر جلوه ویژه و نویی از تفسیر را به نمایش گذاشته است. حاصل آن که:

۱. استیحاء به معنای الهام گرفتن از آیات و ایده‌پردازی است و روش استیحایی در تفسیر عبارت است از دستیابی به همه جهان‌های دیگر با الهام گرفتن از آیات. این روش حاصل خبری‌یتی است که در اثر ممارست فراوان فضل‌الله بر آیات قرآن ایجاد شده و دریافت روح آیات است.
۲. با توجه به اینکه فضل‌الله در بسیاری از مواضع واژه‌های: استیحاء، استلهم و استنطاق را مرادف هم به کار برده است، شاید بتوان روش استیحایی را تطبیقی بر روش استنطاقی دانست که علی(ع) آن را در نهج‌البلاغه عنوان نموده است.

فارس هستند... اما بنا به ظهور آیه و با فرض صحت روایت، مراد روایت بیان مصداقی از امت‌ها و نسل‌های دیگر است، چرا که آیه از امتداد رسالت در آینده به دست آیندگان سخن گفته است و این نظر با روایت سهل بن سعد ساعدی تقویت می‌شود.^۱ (همان: ۳۶۳)

همچنین وی از روایات تاریخی در تبیین آیات بهره جسته است. تفهیم‌های محتوایی علامه فضل‌الله بر روایات شأن نزول آیات پایانی سوره جمعه نمونه‌ای مثال زدنی است.

وی با در نظر گرفتن شأن نزول آیات پایانی سوره جمعه، معتقد است خدای سبحان دائما از نقاط ضعف موجود در جامعه اسلامی برای مسلمانان صدر اول (صحابه)، برای ما سخن می‌گوید، تا بر این مسئله پافشاری کند که وجود نقاط ضعف در هر دوره از ادوار مسلمانان، اسلامیت ایشان را ملغی نمی‌کند و ذره‌ای از مسئولیت رهبری در تعامل با ایشان نمی‌کاهد و باید نقاط قوت داخل دیگر افراد یا همین افراد ضعیف توجه نماید. سپس رهبری با راهنمایی از طریق کلام‌الله و از طریق ارائه الگو، یا از طریق ترغیب و ترهیب آغاز می‌گردد. وی معتقد است شاید ظاهر واقعه این بود که مسلمانان در مسجد گرد رسول‌الله(ص) بودند، در حالی که وی خطبه می‌خواند... اما حق مطلب این است که مردم در هر زمان و مکان، همان مردم هستند، و برعهده عاملین دعوت و جهاد است که طبیعت انسان را مورد مطالعه قرار داده، نقاط ضعف و قوتش را بررسی نموده، تا هنگامی که مومنان به‌طور غافلگیرانه‌ای دچار برخی انحرافات شدند، جامعه دچار سقوط نشده و یاس بر آنها غلبه نکند و این نحوه مواجهه قرآن با کسانی است که رسول‌خدا(ص) را در حال خطبه‌ها و نماز ترک نمودند و به سوی لهو و تجارت روانه شدند. (رک: همان: ۳۷۵-۳۷۷)

۶-۴- بهره‌وری از گرایش اجتماعی در سوره جمعه

علامه فضل‌الله با بهره‌وری از گرایش اجتماعی در روش استیحایی به فهم جدیدی از تفسیر سوره جمعه دست یافته است. به عنوان نمونه:

- در تفسیر آیه ۲ سوره جمعه، عبارت «يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ» را مقدمه‌ای برای شنیدن و دریافت نظریه توحیدی اسلام دانسته که می‌تواند از انسان، یک انسان جدید بسازد. «و یزکیهم» را نفوذ در اعماق احساسات انسان به منظور پاک نمودن او از رسوبات عفونی گناه که به مرور ایجاد شده و در وجودش لانه کرده است، می‌داند که در پرتو این ترکیه، نقش فعال رسول(ص) را نشان می‌داد که با ارائه الگو در تغییر و تحولات درونی عموم امت، انسان مسلمان را به

۱. «كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حِينَ أَنْزَلَتْ سُورَةُ الْجُمُعَةِ فَنَلَّاهَا، فَلَمَّا قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ فِي أَصْلَابِ أَصْلَابِ أَصْلَابِ رِجَالٍ مِنْ أَصْحَابِي، رِجَالًا وَنِسَاءً مِنْ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ، ثُمَّ قَرَأَ: (وَآخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ)»

۱. «كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حِينَ أَنْزَلَتْ سُورَةُ الْجُمُعَةِ فَنَلَّاهَا، فَلَمَّا قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ فِي أَصْلَابِ أَصْلَابِ أَصْلَابِ رِجَالٍ مِنْ أَصْحَابِي، رِجَالًا وَنِسَاءً مِنْ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ، ثُمَّ قَرَأَ: (وَآخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ)»

آیات در چارچوب مضمون فکری معینی در حرکت‌اند، معتقد است به اعتبار ارتباط معنوی، در هر زمان معنای جدیدی از آیه بر ما نازل می‌شود. وی با روش استیحایی بسیاری از روایاتشان نزول را قابل نقد محتوایی می‌داند و به اجتهاد در این خصوص می‌پردازد.

۱۱. گرایش اجتماعی- تربیتی فضل‌الله مبتنی بر: حرکت و تغییر، واقع‌نگری، تبلیغ و حریت است که وی از این گرایش در روش استیحایی بهره فراوانی برده است.

بنابراین فضل‌الله با این که ادعا بر نگارش تفسیری جدید ندارد، اما با بهره‌وری از روش استیحایی تفسیری نو و بدیع ارائه داده است. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که آنچه فضل‌الله با روش استیحایی از آیه دریافت نموده است، بیش از این که برآمده از دلالت‌های موجود در آیات باشد، برآمده از خبرویت وی در دریافت روح آیات قرآن کریم است؛ اگرچه دریافت‌ها گاه با آنچه از آیه استظهار می‌شود فاصله دارد.

References

Holy Quran

Nahj al-Balagha

A group of thinkers, 1400 SH, Introduction to Contemporary Commentators and Quranic Researchers, Bushra Cultural-Religious Institute.

Abu al-Futuh al-Razi, Hussein ibn Ali, 1408 AH, Rawd al-Jinan wa Ruh al-Jinan fi Tafsir al-Quran, edited by Muhammad Ja'far Yahaghi - Muhammad Mahdi Naseh, Mashhad: Islamic Research Foundation of Astan Quds Razavi.

Fadlallah, Muhammad Hussein, 1419 AH, Tafsir min Wahy al-Quran, Beirut: Dar al-Malak for Printing and Publishing.

Farahidi, Khalil ibn Ahmad, 1410 AH, Al-Ain, 2nd edition, Qom: Hijrat Publications.

Ibn Manzur, 1997 AD, Muhammad ibn Mukarram, Lisan al-Arab, Beirut: Dar Sader.

Mostafavi, Seyyed Hassan, 1430 AH, Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim, Tehran: Book Translation and Publishing Agency.

Raghib al-Isfahani, Hussein ibn Muhammad, 1412 AH, Al-Mufradat fi Alfaz al-Quran, edited by: Safwan Adnan Daoudi, Damascus, Beirut: Dar al-Qalam al-Shamiya.

Rahman Setayesh, Mohammad Kazem, 1375 SH, Encyclopedia of the Islamic World, under the supervision of Haddad Adel, Gholamali, Vol. 10, Tehran: Foundation of the Islamic Encyclopedia.

Zarangari, Ahmad, 1367 SH, The Great Encyclopedia of the Islamic World, edited by Mohammad Kazem Mousavi Bojnourdi, Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopedia.

۳. روش استیحایی، مبتنی بر دو رکن متن و انسان، انسان را عنصر فعال جهت به حرکت در آوردن متن می‌داند که می‌تواند از ایحاء قرآن استیحاء کند.

۴. روش استیحایی با باور بر زنده، جاری و فراعصری بودن قرآن به تقویت این اندیشه می‌پردازد که باید در هر زمان از قرآن برای حل مسائل روز الهام گرفت.

۵. در روش استیحایی مفاهیم به دست آمده از آیه به هیچ روی برآمده از مدلولات لفظی آیات نیست، بلکه مدلولی غیر از مدلول ظاهری آیه مقصود او است که فضل‌الله از حقیقتی با عنوان وحی شدن مجدد آیه از آن یاد می‌کند. همان مفهومی که در روایات ماثور ائمه طاهریین(ع) از آن به تاویل اعظم یا مفهوم اعمق یاد شده است. (رک: همان، ص ۲۶)

۶. از آنجایی که فضل‌الله تعدد معانی قرآن را حاصل ذو الوجوه بودن قرآن می‌داند، لذا معتقد است ایحاءات نیز می‌تواند مختلف باشد و این تعدد برداشت می‌تواند تجلیات متعددی از آیات قرآن باشد.

۷. روش استیحایی فضل‌الله هدفمدار است و با گرایش اجتماعی-تربیتی از عناصر حرکت و تغییر، واقع‌نگری، تبلیغ و حریت بهره برده و به ساخت انسانی جدید مطابق الگوی قرآن می‌اندیشد. این عملیات انسان‌سازی تنها توسط رسول خدا(ص) به عنوان اسوه حسنه، با بازگرداندن ایشان به اخلاق حسنه و سلوک مستقیم محقق می‌شود.

۸. فضل‌الله در این روش از مقوماتی نظیر: علوم بلاغی، علوم قرآنی، روایات تاریخی و دینی و گرایش اجتماعی- تربیتی بهره برده است.

۹. فضل‌الله به کمک علوم بلاغی و جو و فضای حاکم بر سوره، برای هر سوره، محور یا محورهای کلی تعیین می‌کند و در نهایت نتیجه‌گیری تحت عناوینی نظیر: درس‌هایی از سوره، ایحاءات، استنتاجات، استیحاءات و استلهامات ارائه می‌دهد. وی با اینکه معتقد به تفکیک مباحث علوم قرآنی از تفسیر است و اساساً به مباحثی همچون قرائات نمی‌پردازد، اما در مواردی از مباحث علوم قرآنی همچون مکی و مدنی بهره برده است.

۱۰. وی با بهره‌وری از روایات تفسیری در روش استیحایی، جایگاه آن را در حل معضلات اجتماعی مهم دانسته، با وجود این که معتقد است درباره روایات اعتقادی و تفسیری باید روایات قطعی یا قریب به قطعی باشند. وی معتقد است فهم دقیق نصوص از راه قواعد و اصول فهم حدیث میسر است. یعنی قبل از التزام عملی به حدیث باید از صحت علمی آن مطمئن شد. وی روایاتشان نزول را متوقف در نقطه عزیمت ندانسته و با در نظر گرفتن این حقیقت که